

دروغ پردازان در حوزه حدیث شیعه

<?xml encoding="UTF-8">

درآمد

تنها راه دستیابی به وحی الهی و کلام حق، به اقتضای حدیث ثقلین، قرآن و سنت است. ما از طریق حدیث، به سنت عملی و قولی و تقریر پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) دست می‌یابیم و از همین جاست که جایگاه حدیث صحیح و اهمیت آن، بیش از پیش روشن می‌شود و لذا امام باقر (ع) به جابر فرمود:

یا جابر والله لحدیث تصیبه من صادق فی حلال و حرام خیر لک ممّا طلعت علیه الشمس حتی تغرب.¹

ای جابر به خدا قسم اگر حدیثی از شخص صادقی در مورد حلال و حرام به تو برسد، از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد برایت بهتر است.

اما در طول تاریخ معارف بشری و در بستر تاریخ ادیان الهی، همیشه مردمانی دروغ ساز و دجال صفت بوده اند که حقایق الهی و علمی را به سخریه می‌گرفتند و با اهداف گوناگون و در اثر عوامل مختلف (مثل: تعصبات مذهبی، انحرافات عقیدتی، خدمت به حاکم ستمگر، کسب مال یا مقام، غلو در مذهب و عقاید، بزرگ کردن خود و یا تأثیر عناصر یهودی و مسیحی²) دست به تحریف حقایق، جعل احادیث و دروغگویی می‌زدند.

پیشینه تحقیق

یک. پیدایش جدی پدیده جعل و کذب در احادیث، به عصر ائمه (ع) بویژه زمان امام صادق (ع) و امام رضا (ع) بر می‌گردد.

ائمه اطهار (ع) با قاطعیت و شدت با این پدیده که بلای حدیث محسوب می‌شد برخورد کردند و حتی در مواردی، از این دروغ سازان نام می‌بردند و آنها را لعنت می‌کردند (مثل «مغیره» و «ابوالخطاب» که در این نوشتار به آنها اشاره خواهیم کرد) و همین مطلب موجب شد که این بیماری، در شیعه رشد چندانی پیدا نکند.

دو. کسانی که کتابهای رجال نوشته اند، به صورت پراکنده به این مطلب پرداخته اند. برای مثال، نجاشی (372 ق) 450 ق) در رجال خود، در موارد متعدّد به جاعلان و دروغگویان اشاره می‌کند. سایر کتب رجال نیز تا عصر حاضر (و در بهترین شکل، معجم الرجال مرحوم آیه الله خویی) به این مطلب پرداخته اند؛ اگر چه کمتر بحث مستقل یا کتاب مستقلی به این موضوع، اختصاص یافته است.

سه. کتابهایی که در عامّه و خاصّه به صورت کلی یا جزئی به این مطلب پرداخته اند، عبارتند از:

1. الموضوعات ابن جوزي (متوفای 597ق) که مطالب آن از کتاب الأباطیل جورکاني اخذ شده است.

2. اللّثالي المصنوعة، از سیوطی، که پیرامون کتاب ابن جوزي است.

3. تذکرة الموضوعات و قانون الموضوعات، از محمد بن طاهر مقدسي هندی ملقب به قتنی (م 976ق).

- 4 اللؤلؤ المرصوع، از ابوالمحاسن قاقچي.
 - 5 الموضوعات صنعاني.
 - 6 الموضوعات الكبير، از ملاّ علي قاري.
 - 7 الموضوعات الصّغري، از همان نويسنده.
 - 8 أضواء علي السّنة المحمّدية، از محمود ابوريّة، که در بخشي از کتاب به موضوع جعل پرداخته است.
 - 9 شيخ المضيرة، از همان نويسنده، که در بخشي از کتاب به موضوع جعل پرداخته است.
 - 10 علم الحديث، از کاظم مدير شانه چي، که در بخشي از کتاب به موضوع جعل پرداخته است.
 - 11 مقباس الهداية، از علامه مامقاني (1290 1351ق) با تلخيص استاد علي اکبر غفاري.
- البته در اين ميان، عامّه (اهل سنّت) بيشترين کتابها را نوشته اند؛ چرا که در طول تاريخ حديث خود، بيشتر به بلای جعل گرفتار شده اند.

منابع عمده تحقيق

در اين نوشتار، بيشتر از روش تحقيق کتابخانه اي (ميداني) و با استفاده از کتابهاي رجال (يعني شهادت ديگران بر کذب و جعل احاديث توسط افراد) استفاده شده است. از جمله مهمترين آن منابع عبارتند از: رجال: نجاشي، معجم الرجال: آية الله خويي، مقباس الهداية: علامه مامقاني، علم الحديث: کاظم مدير شانه چي، بهجة الآمال في شرح زبدة المقال: علامه ملاّ علي علياري تبريزي. همچنين، از خلاصه الأقوال و رجال الکشي و رجال الطوسي و کتاب ابن غضائري، با واسطه نقل شده است.

موضوع تحقيق

دو محور اساسي در اين نوشتار دنبال مي شود:

الف . شناسايي راوياني که مطالب خلاف واقع (اعم از قول و فعل و تقرير) از پيامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل کرده اند؛

ب . معرفتي افرادي که مطالبی را ساخته و به صورت حديث به آن بزرگواران نسبت داده اند.

ضرورت تحقيق

شناخت دروغ پردازان و متهمان به جعل و کذب و منحرفان از صراط حق، آثار و فوايد بسياري دارد که برخي از آنها عبارتند از:

- الف . پالایش احاديث حق از احاديث دروغين؛
- ب . شناخت دروغگويان در سلسله اسناد احاديث و ردّ سخنان آنان؛
- پ . جلوگیری از انحراف مردم و خطاي علما، با معرفتي دروغگويان و احاديث جعلی آنان؛
- ت . عبرت گرفتن تماشاگران و ايجاد ترس در دل افراد سهل انگار و دروغ دوست و در نتیجه، جلوگیری از جعل

دروغ در آینده؛

ث . شناخت بهتر قرآن به کمک طرح و نقد تفسیرهای نادرست دروغ پردازان؛

ج . آشکار شدن چهره نورانی و بی عیب ائمه اطهار (ع) با ردّ احادیث دروغین و غلو آمیز که درمورد آنان جعل شده است.

نگارنده، با توجه به آثار فوق، سعی دارد تا دروغ پردازان و جاعلان روایات را در کتابهای عامّه و خاصّه معرفی کند. البته سعی ما بر آن است که تنها افرادی که کذب یا جاعل بودن آنها محرز گردیده، یاد شوند و از ذکر افراد مشکوک پرهیز نموده ایم.

این بخش از نوشتار، درباره جاعلان و کذابان در روایان خاصّه است و ان شاء الله در مقالات آینده، به روایان عامّه خواهیم پرداخت. البته ممکن است فرد یا افرادی از قلم افتاده باشند و یا در موردی تأمل کافی درباره یک راوی صورت نگرفته باشد (و در نتیجه، قضاوت ناصحیحی شکل گرفته باشد)؛ لذا امید است با راهنمایی های منصفانه و دلسوزانه فرهیختگان امت، این نوشتار، کاملتر شود، تا به حال امت سودمندتر افتد.

1. أبان بن أبي عیاش، فیروز، أبواسماعیل البصري

اتّهام: او متّهم است که کتاب «سلیم بن قیس» را جعل کرده است.3
دلیل:

الف . ابن غضائری (ره) در کتاب رجال خود می گوید:

اوتابعی است که از انس بن مالک و امام سجّاد (ع) نقل حدیث می کند و او ضعیف است، و اصحاب ما «شیعیان» به او نسبت داده اند که کتاب «سلیم بن قیس» را جعل کرده است.4

ب . شیخ طوسی (ره) در رجال خود می گوید:

او تابعی (بصری) ضعیف است و از اصحاب امام سجّاد (ع) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شمرده می شود.5

2. احمد بن محمد بن سیّار، ابوعبدالله السیّاری (البصري الاصفهاني)

اتّهام: دروغگو و ضعیف، بلکه فاسد المذهب است؛ محرّف نه غالی6 و مجفّو الروایه است و روایات مرسل زیادی را نقل کرده است7 و تناسخ را قبول داشته است.8
دلیل: کسانی او را تضعیف کرده اند:

شیخ (ره) در رجال9 و استبصار10، ابن غضائری11، نجاشی در رجال12 و ابن ولید13 و شیخ صدوق (ره) و کشّی14 و مامقانی در مقباس الهدایة15.

آیه الله خویی (ره) می گوید: علمای رجال اتفاق دارند که او فاسد المذهب است.16

شرح حال: او از اهالی بصره بود و از نویسندگان آل طاهر محسوب می شد17 و از اصحاب امام هادی (ع) و عسکری (ع) شمرده شده است.18

شیوخ قمی فقط در مورد کتاب «نوادر الحکمة» که او نقل کرده است، استثنا قائل شده اند و آن را ضعیف ندانسته اند.19

ولي در عين حال، شيخ در استبصار، بعد از ذكر كتاب «نوادِر» مي گويد: من طبق آن عمل نمي كنم و فتوا نمي دهم، چرا كه ضعيف است. 20

مرحوم آية الله خويي (ره) مي گويد: برخي روايات تحريف قرآن، از كتاب احمد بن محمد السّياري نقل شده است. 21

تأليفات: اين شخص، داراي كتابهاي متعددي است كه عبارتند از:

1 كتاب ثواب القران،

2 كتاب الطّب،

3 كتاب القراءات،

4 كتاب التّوادر،

5 كتاب الغارات. 22

3. احمد بن محمد، أبو عبد الله الخليلي الآملي (الطّبري)

اتهام: دروغگو، جاعل حديث و فاسداست كه مورد التفات نيست. 23

دليل: نجاشي در كتاب خود او را جدا ضعيف مي داند. 24 و ابن غضائري 25 نيز او را دروغگو و جاعل حديث و فاسد شمرده است. 26

تأليفات:

1 كتاب «الوصول الي معرفة الأصول»،

2 كتاب الكشف. 27

4. اسحاق بن محمد بن احمد بن أبان (ابويعقوب الأحمر) بن مرار بن عبدالله، يعرف عبدالله عقبة و عقاب بن الحارث النخعي (أخ الأشتر)

اتهام: دروغگو، جاعل حديث و اصلا معدن تخليط احاديث است. 28 و فاسد المذهب نيز بوده است. 29

دليل: نجاشي در رجال خود او را معدن تخليط مي نامد. 30 علامه نيز در خلاصه، او را معدن تخليط مي خواند. 31 و ابن غضائري او را فاسد المذهب و دروغگو و جاعل حديث مي داند و نيز عياشي خبري در مورد وضع حديث او نقل مي كند. 32

شرح حال و تأليفات: او را رئيس گروه «اسحاقية» مي دانند و صاحب كتابهاي متعددي است كه عبارتند از:

1 كتاب اخبار السّيد،

2 كتاب المجالس،

3 كتابهايي در مورد تخليط. 33

5. اسماعيل بن علي بن رزين بن عثمان بن عبدالرحمن بن عبدالله بن بديل بن ورقاء الخزاعي، ابن أخي دعبل،

اتهام: دروغگو، جاعل حدیث، مختلط در حدیث بوده است.
دلیل: نجاشی و شیخ و مامقانی او را مختلط می دانند. 34
ابن غضائری او را دروغگو و جاعل حدیث می داند. 35
و شیخ در رجالش می گوید که او از ائمه (ع) حدیث نقل نمی کند. 36
شرح حال: او پسر برادر دعبل خزاعی بود که در واسط می زیست و سرپرست امور حسبیّه آنجا بود. 37
تألیفات:
1 کتاب «تاریخ الأئمة»،
2 کتاب النکاح. 38

6. الحسن بن العباس بن الحریش الزّاوی، ابوعلی

اتّهام: ضعیف است و کتابی در مورد فضیلت سوره قدر جعل کرده است. 39
دلیل: نجاشی در «رجال» خود می گوید که جدّا ضعیف است و کتابی در مورد «انّا أنزلناه» دارد که مضطرب الالفاظ است. 40 ابن غضائری نیز این کتاب را فاسد الالفاظ و جعل می داند. 41
تذکر: بر برخی کتب رجالی گفته شده که «حسن بن عباس» از امام جواد (ع) حدیث نقل می کند؛ در حالی که اکثر کتابهای حدیث، گفته اند که از امام باقر (ع) نقل می کند. شیخ نیز در رجال، یک بار او را در اصحاب امام جواد (ع) و یک بار در باب «من لم» ذکر کرده است.
این مطالب می رساند که دو نفر به این اسم وجود دارند؛ هر چند هر دو را ضعیف دانسته اند. 42
تألیفات: کتابی داشته در مورد فضیلت «انّا انزلناه فی لیلة القدر» که گفته شده روایات آن مضطرب است. 43
اما مرحوم کلینی در اول کافی می گوید: روایت و کتابی غیر از کتاب الحسن بن العباس در مورد شأن «سوره قدر» نیست. 44

7. الحسن بن علی بن اُبی حمزة البطائنی (سالم البطائنی)

اتهام: کذاب، ملعون و واقفی است. 45
دلیل: رجال نجاشی، او را از بزرگان واقفیه شمرده است. 46
و نیز مرحوم مامقانی از خلاصة الأقوال و کشی نقل کرده اند که دروغگو و ملعون و واقفی است. 47
تألیفات:
1 کتاب الفتن (الملاحم)،
2 کتاب فضائل القرآن،
3 کتاب القائم الصغیر،
4 کتاب الدلائل،

- 5 کتاب المتعة،
- 6 کتاب الغيبة،
- 7 کتاب الصلاة،
- 8 کتاب الرجعة،
- 9 کتاب فضائل أمير المؤمنين (ع)،
- 10 کتاب الفرائض. 48

8. الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن بن جعفر بن عبدالله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي أمير المؤمنين (ع)، ابو محمد، المعروف بابن أخي طاهر

اتهام: کذاب و جاعل حديث است؛ رواياتي را از افراد مجهول نقل مي کرد که مورد انکار (منکره) بود؛ ضعيف است. 49

دليل: علامه مامقاني (ره)، او را مورد تضعيف اصحاب مي داند که از افراد مجهول روايات منکره نقل مي کند. 50 و نیز نجاشي مي گوید که از افراد مجهول، روايات منکره نقل مي کند و دیدم که اصحاب ما، او را تضعيف مي کردند 51 و ابن غضائري و ابن داود، او را دروغگو و جاعل حديث مي دانند و توقف در روايات او را انتخاب مي کنند. 52

اما برخي رجاليان، او را مؤثق مي دانند؛ چرا که صدوق (ره) از او نقل حديث کرده و اجازه گرفته است و شيخ مفيد (ره) نیز در ارشاد، از او روايات بسياري نقل کرده است. 53 او از جدّ خویش (يحيى بن الحسن) و غير از او روايت نقل مي کند. تأليفات:

1 کتاب المثالب،

2 کتاب الغيبة و ذکر القائم (عج). 54

9. سالم بن أبي حفصة العجلي (م370ه)، مولي بني عجل، کوفي يکّيّ أبا الحسين و أبا يونس، اسمہ زياد

اتهام: مورد تکذيب و تکفير و لعنت امام صادق (ع) قرار گرفته است. 55

غالي، ضعيف و کذاب است و به امام باقر (ع) دروغ مي بست. 56

دليل: صاحب الوجيزة او را ضعيف دانسته است 57؛ و علامه مامقاني (ره) نیز او را جزو متهمان به کذب قرار داده است. 58

صاحب بهجة الآمال نقل کرده که مورد تکذيب و تکفير و لعنت امام صادق (ع) واقع شده؛ چرا که به امام باقر (ع) دروغ بسته است. 59

برخي او را شيعة اي غلو کننده دانسته اند 60، ولي اين مطلب با رواياتي که در مورد عقايد او نقل شده، سازش ندارد. 61

تأليفات: دو کتاب داشته است که نجاشي از آنها خبر مي دهد ولي نام آنها را نمي گوید. 62

10. سليمان بن عبدالله الدّيلمي، أبو محمّد (و ابنه محمّد بن سليمان)

اتّهام: غالي و كذاب است 63 و به روايات منفرد او (و فرزندش) عمل نمي شود. 64
دليل: علامه در «الخلاصة» او را از بزرگان غلات مي شمارد 65؛ و به نقل علامه مامقاني (ره) و ابن غضائري، غالي و كذاب است. 66

در خلاصه، نام او «سليمان الدّيلمي» و در كتاب ابن غضائري، نام او «سليمان بن زكريّا» ذكر شده، امّا علامه مامقاني و برخي از رجاليان، آنها را اشاره به افراد متعدّدني نمي دانند. 67
شرح حال: او مردني تا جر بود كه اسراي ديلمى را به كوفه مي برد و اموال تجارتي را به خراسان حمل مي كرد؛ ولي در اصل از «بجيلة الكوفة» بود. 68
تأليفات:

كتاب يوم و ليلة، كه پسرش (محمّد بن سليمان) از او نقل مي كند. 69

11. سليمان بن عمرو بن عبدالله بن وهب النّخعي، أبو داود الكوفي

اتّهام: جاعل حديث بوده است 70؛ به طوري كه محدّثين او را «كذاب النّخع» لقب داده اند؛ ضعيف است. 71
دليل: در «الوجيزة» او را ضعيف شمرده اند. 72
علامه مامقاني او را به وضع حديث متّهم مي داند. 73
ابن غضائري او را ضعيف و كذاب معرّفي مي كند. 74
شرح حال: سليمان فردي زاهد بود؛ به طوري كه شبها را به نماز و روزها را به روزه داري مي گذراند. او از امام صادق (ع) نقل حديث مي كند. 75

12. عبدالله بن محمّد البلوي (بن عمير بن محفوظ البلوي، أبو محمّد المصري)

اتّهام: كذاب و جاعل حديث بوده است. 76
دليل: نجاشي او را ضعيف و ابن غضائري او را دروغگو و جاعل حديث دانسته است. 77
علامه مامقاني (ره) او را جزو افراد كذاب و جاعل نام برده است. 78
شرح حال: او شخصي فقيه و واعظ، از اهالي مصر و از قبيله «بلي» بوده است. 79
برخي گفته اند كه از «بلي بن عمرو بن الجاف بني قضاة» بوده است. 80
تأليفات:

1 كتاب الأبواب،

2 كتاب المعرفة،

3 كتاب الدّين و فرائضه. 80

13. عليّ بن أحمد الكوفي، أبو القاسم

اتهام: کذاب، صاحب بدعت و غالی بوده است.82

دلیل: نجاشی او را فاسد المذهب و غالی معرفی می کند.83

ابن غضائری و صاحب خلاصة الأقوال و علامه مامقانی، او را غالی و صاحب بدعت معرفی کرده اند.84 مرحوم آیه الله خویی، او را کذاب و فاسد المذهب می داند و می گوید برخی روایات تحریف قرآن را او نقل کرده است. شرح حال: او ادعا می کرده که از «آل ابی طالب» است. در آخر عمرش به غلو دچار شد و مذهب او فاسد گشت و در ناحیه ای به نام «کرمی» در سال 352 درگذشت، که آن ناحیه در پنج فرسخی فسا و بیست فرسخی شیراز است. غلات مقام او را بلند می دانند.85

تألیفات:

1 کتابی در موضوع غلو و تخییط86، 2 تا 51 کتابهایی با عناوین: الأنبياء الأوصياء البدع المحدثه التبديل والتحرير تحقيق اللسان في وجوه البيان الإستشهاد تحقيق ما ألفه البلخي في المقالات منازل النظر و الإختیار أدب النظر والتّحقيق تناقض أحكام المذاهب الفاسدة الأصول في تحقيق المقالات الإبتداء معرفة وجوه الحكمة معرفة ترتيب ظواهر الشريعة التوحيد مختصر في فضل التوبة تثبت نبوة الأنبياء مختصر في الأمة مختصر في الأركان الأربعة الفقه علي ترتيب المزي الآداب و مكارم الأخلاق فساد أقاويل الإسماعيلية الرد علي أرسطاطاليس المسائل والجوابات فساد قول البراهمة تناقض أقاويل المعتزلة الرد علي محمد بن بحر الرهني الفحص عن مناهج الإعتبار الإستدلال في طلب الحق تثبت المعجزات الرد علي من يقول إنّ المعرفة من قبل الموجود إبطال مذهب داود بن علي الإصبهاني الرد علي الزيدية تحقيق وجوه المعرفة ما تفرد به أميرالمؤمنين (ع) من الفضائل الصلاة والتسليم علي النبي وأميرالمؤمنين الرسالة في تحقيق الدلالة الرد علي أصحاب الإجتهد في الأحكام في الإمامة فساد الإختیار رسالة إلي بعض الرؤساء الرد علي المثبته الراعي والمرعي الدلائل والمعجزات ماهية النفس ميزان العقل إبان حكم الغيبة الرد علي الإسماعيلية في المعاد تفسير القرآن كتاب في النفس. نجاشی در پایان عناوین تألیفات او می افزاید که اکثر کتابهای او فاسد است.87

14. محمد بن بشیر، کوفی (من موالی بنی أسد)

اتهام: ملعون، غالی و واقفی است؛ به امام کاظم (ع) دروغ می بست.88

دلیل: کشی می گوید که او به امام کاظم (ع) دروغ می بست.89

صاحب خلاصة الأقوال می گوید که او ملعون و غالی است.90 علامه مامقانی نیز او را ملعون می داند.91

امام رضا (ع) او را لعنت و نفرین کرد و نیز امام کاظم (ع) از او تبری جست.92

شرح حال: محمد بن بشیر، کسی است که در زمان امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) زندگی می کرده است و پس از فوت امام کاظم (ع) واقفی شد و ادعا کرد که امام هفتم همان قائم است که در بین مردم زندگی می کند و برای اهل نور، با نور ظاهر است. او که شعبده باز بود و کارهای خارق العاده انجام می داد، ادعا کرد که جانشین موسی بن جعفر (ع) است و عده ای پیرو او شدند و برای بعد از وفات، وصیت کرد که فرزندش (سمیع بن محمد) جانشین او باشد.93

تألیفات: او دارای کتابی نیز بوده است.94

تذکر مهم: دو راوی به نام «محمد بن بشیر» وجود دارد:

الف: محمّد بن بشير کوفي، از اصحاب امام کاظم (ع) که ملعون است و ذکر او گذشت.
ب: محمّد بن بشير کوفي که برادر علي بن بشير است و هر دو ثقه هستند. نجاشي از آنها نام مي برد و مي گويد:
کتاب نوادر از اين شخص ثقه است 95 و در قم وفات يافت.
نکته قابل ذکر، اين است که رجاليان هيچ نشانه روشني براي تميز آن دو نفر مشترک، ذکر نکرده اند. 96

15. محمّد بن علي، أبو سميّة، الصّيرفي (بن ابراهيم بن موسي ابوجعفر القرشي)

اتّهام: مشهور به دروغگويي بوده است 97؛ غالي، فاسد الاعتقاد و ضعيف است. 98
دليل: نجاشي رجال مي گويد که او در کوفه مشهور به روغگويي بوده است و علامه مامقاني، دروغگويي او را نقل مي کند 99 و آية الله خويي در معجم الرجال، او را ضعيف مي داند. 100
ابن وليد، رواياتي را که «محمد بن احمد بن يحيي» از ابي سميّة نقل مي کند، استثنا کرده و ضعيف ندانسته است. 101

نظريّه: از ابن وليد، عجيب است که از چنين فرد دروغگو و منحرفي، روايات را قبول مي کند
شايد ايشان قرائني بر صحّت داشته، که البته يقين و عقیده اش براي ما حجتّ نيست.
شرح حال: او در کوفه مشهور به دروغگويي بود و سپس وارد قم شد و مدّتي مهمان احمد بن محمد بن عيسي بود. سپس مشهور به غلو شد و مخفي گشت؛ اما احمد بن محمد بن عيسي او را از قم اخراج کرد. 102
او را از اصحاب امام رضا (ع) دانسته اند.
تأليفات:

- 1 کتاب الدلائل،
- 2 کتاب الوصايا،
- 3 کتاب العتق،
- 4 کتاب «عمّ يتسائلون»،
- 5 کتاب الآداب. 103

16. محمّد بن مقلّاص، أبو زينب الأسدي، أبو الخطّاب الأجدع، الرّزاد (البزّاز السّراد البرّاد)، مولي بني أسد،
(أبالطّيبات أبا اسماعيل)

اتّهام: مورد لعنت امام صادق (ع) واقع شده است 104؛ ملعون است؛ چرا که به امام صادق (ع) دروغ مي بست و چيزهايي را که نفروده بود، منتشر مي کرد و امام (ع) را مي ترسانيد. 105
دليل: علامه مامقاني در مقباس 106 و صاحب بهجة الآمال و خلاصة الأقوال و غضائري و ديگران نقل کرده اند که او مورد نفرين و لعنت امام صادق (ع) واقع شده است. 107
در اين مورد، روايات کثيري نقل شده است و حتي از نزديکي به او و پيروانش نهي شده است و در توقيعي که صادر شد، همه ائمه (ع) از ابوالخطّاب برائت جسته اند. 108
شرح حال: ابوالخطّاب، فرد احمق و کند ذهني بود که مطالب و احاديث را حفظ نمي شد، ولذا مطلبي را از خود

به آنها اضافه می کرد. او فاسدترین افراد کوفه بود. در مورد نماز مغرب عقیده داشت که تا وقتی ستاره ها در شب ظاهر نشوند، برگزار نشود. پیروان او را خطّابیه گویند که عقاید عجیبی در مورد نماز و روزه داشته اند. 109

17. محمّد بن موسی بن عیسی الهمدانی السّمّان، أبو جعفر

اتهام: غالی، جاعل احادیث و اصول، و ضعیف است. 110

دلیل: نجاشی نقل می کند که قمی ها او را به خاطر غلو تضعیف کرده اند و ابن ولید گفته که او جعل حدیث می کرده است. 111

مرحوم مامقانی از محمّد بن الحسن بن ولید نقل می کند که او دو «اصل» به نامهای «اصل التّرسی» و «اصل زید الرّزاد» را جعل کرده است. 112

تألیفات:

1 کتاب ما روی فی ایّام الأسبوع،

2 کتاب الردّ علی الغلات. 113

18. محمّد بن فرات، الجعفی الکوفی (الجزمی)

اتّهام: ضعیف است. 114؛ ادّعی نبوّت داشته و غالی و شارب خمر بوده است. بر امام رضا (ع) دروغ می بست و لذا مورد لعن حضرت قرار گرفت. 115

دلیل: کلام نجاشی و ابن غضائری بر تضعیف او و روایات کشّی بر مذمت او دلالت دارد. 116

کشّی نقل می کند که امام رضا (ع) فرمود:

«یا یونس، أما تري إلی محمّد بن فرات و ما یكذب علیّ... یا یونس، انّما قلت ذلک لیحذر عنه أصحابی و تأمرهم بلعنه والبراءة منه فإنّ الله هو برئ منه». 117

تألیفات:

1 نجاشی می گوید کتابی داشته است ولی نام آن را نمی برد؛ 118

2 مطالبی در تفسیر از او نقل شده است، از جمله اینکه از امام باقر (ع) نقل می کند که: سألته عن قول الله عزّوجلّ: «وتقلّبک فی السّاجدين». قال: فی أصلاب النّبیین. 119

19. المغیره بن سعید، رأس المغیره

اتّهام: کذاب بود. 120 و به امام باقر (ع) دروغ می بست و احادیثی را داخل احادیث حضرت می نمود؛ غالی بود و احادیثی را بر مذهب غلو جعل می کرد.

دلیل: کشّی او را کذاب می داند و روایات متعدّدی از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نقل می کند که مغیره را نفرین و لعنت می کنند. 121

مرحوم مامقانی و آیه الله خویی (ره) نیز او را کذاب و ملعون معرفی می کنند. 122 برای مثال، چند روایت را ذکر

می کنیم.

کشی با سند خود، از هشام بن حکم نقل می کند:

آنکه سمع ابا عبدالله (ع) يقول: لا تقبلوا علينا حديثاً إلا ما وافق القرآن والسنة أو تجدون معه شاهداً من أحاديثنا المتقدمة، فإن المغيرة بن سعيد لعنه الله دس في كتب أصحاب أبي أحاديث لم يحدث بها أبي؛ فاتقوا الله ولا تقبلوا علينا ما خالف قول ربنا تعالي و سنة نبينا محمد (ص) فإننا إذا حدثنا قلنا: قال الله عزوجل وقال رسول الله (ص). 123

و نیز:

عن يونس عن هشام بن الحكم، أنه سمع أبا عبدالله (ع) يقول: كان المغيرة بن سعيد يتعمد الكذب علي أبي، ويأخذ كتب أصحابه وكان أصحابه المستترون بأصحاب أبي يأخذون الكتب من أصحاب أبي فيدمغونها إلي المغيرة، فكان يدس فيها الكفر والزندقة ويسندها إلي أبي ثم يدفعها إلي أصحابه، فيأمرهم أن يثنوها في الشيعة، فكلما كان في كتب أصحاب أبي من الغلو فذاك ممّا دسه المغيرة بن سعيد في كتبهم. 124
همچنین:

عن أبي عبدالله (ع) قال سمعته يقول: لعن الله المغيرة بن سعيد؛ إنّه كان يكذب علي أبي، فاذقه الله حرّ الحديد؛ لعن الله من قال فينا ما لا نقوله في أنفسنا؛ لعن الله من أزلنا عن العبودية لله الذي خلقنا وإليه مآبنا ومعادنا وببیده نواصينا. 125

20. مفصل بن صالح، أبوجميلة النحاس الأسدي (النحاس)

اتهام: کذاب، جاعل حديث و ضعيف است. 126

دلیل: نجاشی او را تضعیف می کند؛ بلکه تضعیف او را مورد قبول همه اصحاب می داند. 127 و نیز ابن غضائری او را کذاب و واضع حدیث می داند. 128

البته او از کسانی است که در اسناد کامل الزیارات واقع شده است و برخی مثل «المحقق الوحيد» سعی کرده اند او را توثیق کنند؛ چرا که از بزرگان (اصحاب اجماع) نقل حدیث می کند. 129

اما مرحوم خویی (ره) در معجم الرجال، او را موثق نمی داند. چرا که نقل تضعیف نجاشی، با وقوع او در اسناد کامل الزیارات معارض است. 130

ابن غضائری نقل می کند که از مفصل شنیده شده است که گفته: من نامه معاویه به محمد بن ابی بکر را جعل کردم. 131

شرح حال: او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده اند و در زمان امام رضا (ع) فوت کرده است. برخی گفته اند: نحاس (نحاس) بوده و برخی او را حداد (آهنگر) دانسته اند. او در موارد زیادی از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) روایت نقل می کند. 132

21. یزید الصائغ

اتهام: دروغگو 133، واقفی، و ضعيف است. 134

دلیل: کلام کُشّی که او را از کُذّاب های مشهور می داند. 135

مؤلّف الوجیزة او را ضعیف می داند. 136

و مرحوم مامقانی او را دروغگو معرفی می کند. 137

22. یونس بن ظبیان الکوفی

اتّهام: دروغگو، ضعیف، مغلّط و وّضاع (زیاد جعل کننده حدیث) است. 138

دلیل: نجاشی او را جدّا ضعیف می داند و همه کتابهای او را تخلیط می شمرد. 139

ابن غضائری او را غالی و کُذّاب و جاعل حدیث می داند. 140

کُشّی با سند خود از امام کاظم (ع) نقل می کند که حضرت بر او هزاران بار لعنت فرستاد (لعن یوسف بن ظبیان

ألف لعنة يتبعها ألف لعنة). 141

تذکّر: بعضی روایات از امام صادق (ع) در مورد مدح یونس وارد شده است که یا سند آن ضعیف است و یا حمل

بر تقیه می شود و یا اینکه یونس در زمان امام صادق (ع) هنوز غالی نشده بوده است. 142

شرح حال: او کسی بود که ادّعا می کرد در حال طواف به او ندا می شد که «إني أنا الله لا إله أنا فاعبدني وأقم

الصلاة لذكري...». 143

تألیفات: از کلام نجاشی و غیر او استفاده می شود که یونس کتابهایی داشته است ولی آنها را نام نبرده اند. 144

پی نوشت ها :

1 . المحاسن 756/356/1 و بحارالانوار 1/147/2

2. ر.ک: علم الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، و اضواء علی السنة المحمّدية، محمود أبوریّة، صحبت جعل حدیث و عوامل آن.

3 . در مورد کتاب «سلیم بن قیس الهلالی، ابا صادق»، دو نظریّه متفاوت وجود دارد:

الف: این کتاب جعلی است.

این نظریّه ابن الغضائری و شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد است. (ر.ک: معجم رجال الحدیث، آیه الله خویی، ج8، ص219)

ب: این کتاب از اصول علمای شیعه است؛ بلکه از مهمترین اصول و قدیمی ترین آنهاست.

این، نظریه مرحوم نعمانی در کتاب «الغیبة» (باب ما روی فی أنّ الائمة اثنا عشر إماما) است و حتی فاضل تفرشی در حاشیه «رجال کبیر» گفته است که ابن غضائری اشتباه کرده است؛ و صاحب وسائل نیز در وسائل می گوید: از کتابهای معتمد و ثابت و متواتر است (خاتمة وسائل الشیعة / الفائدة الرابعة).

دلیل جعلی بودن کتاب سلیم:

اوّل. از لحاظ مضمون قابل قبول نیست؛ چرا که می گوید: «محمّد بن ابی بکر، پدرش را در هنگام مرگ موعظه

کرد» و «ائمة شیعه سیزده نفر هستند». (ابن غضائری در رجال)

دوم . از لحاظ سند معتبر نیست؛ چرا که این کتاب از غیر طریق «أبان بن أبي عیاش» نقل نشده است و او

ضعیف است. (معجم رجال الحديث، ج8، ص221)

جواب جعلی بودن کتاب سلیم:

مرحوم آیه الله خویی (ره) در رجال خود (ج8، ص221) سعی می کند تا به این اشکالات پاسخ دهد، که: اولاً، نقل مضامین فوق در این کتاب ثابت نشده است ولذا فاضل تفرشی و صاحب وسایل گفته اند در نسخه موجود این کتاب، چنین مطالبی وجود ندارد (وسائل الشیعة/ ترجمة سلیم بن قیس) و حتی نسبت اشتباه به ابن غضائری داده اند.

ثانیاً، در کتاب کافی، سلیم از غیر طریق «أبان بن أبي عیاش» نیز نقل می کند و نیز کتاب سلیم از طریق «حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الصنعانی» نیز نقل شده است. نظریه:

می توان گفت که کتاب «سلیم بن قیس»، دو نسخه داشته است:

الف: نسخه ای که به ابن غضائری و شیخ مفید و میرزا در «رجال کبیر» رسیده است و شامل مطالب و مضامین غیرصحیح است.

ب: نسخه ای که به دست مرحوم نعمانی و صاحب وسایل و فاضل تفرشی رسیده است که آن مطالب را ندارد. و شاید نسخه اول به خاطر جعل «أبان بن ابي عیاش» مورد نقد و نکوهش واقع شده و از گردونه کتب حدیث خارج شده است و آنچه باقی مانده، همان کتاب اصلی بوده که به دست امثال نعمانی رسیده است. شاهد مطلب آنکه عده ای تصریح می کنند که این مطالب موهوم در آن بوده و عده ای هم صریحاً انکار می کنند.

4. تلخیص مقباس الهدایة، علامه مامقانی (1290 1351ق)، تلخیص استاد علی اکبر غفاری، نشر جامعه امام صادق (ع) 1369، تهران، ص266؛ و نیز: معجم رجال الحديث، آیه الله سید ابوالقاسم خویی، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ج141/1

5. همان.

6. معجم رجال الحديث، ج2/283، به نقل از ابن غضائری.

7. تلخیص مقباس الهدایة/266 و معجم رجال الحديث، ج2/282، به نقل از شیخ.

8. معجم رجال الحديث، ج2/283، به نقل از ابن غضائری.

9. همان، ج2/282، به نقل از شیخ و تلخیص مقباس الهدایة/266

10. استبصار، باب المتصیّد يجب علیه التمام أو التقصیر، ج846، به نقل از معجم، ج2/283

11. معجم رجال الحديث، ج2/283، به نقل از ابن غضائری.

12. رجال نجاشی (372 450ق)، 1416ق، چاپ جامعه مدرّسین، 1416ق، قم، ص80، شرح حال احمد بن محمّد سیاری.

13. رجال شیخ، ج2/283 284

14. همان.

15. تلخیص مقباس الهدایة/266 و معجم، ج2/282، به نقل از شیخ.

16. البیان فی تفسیر القرآن، السید ابوالقاسم الخوئی، مطبعة الآداب فی النجف الاشرف، 1385ق 1966م، ص245

- 17 . رجال نجاشي/80
- 18 . معجم رجال الحديث، ج2/283 (به نقل از ابن غضائري).
- 19 . رجال شيخ، به نقل از معجم رجال الحديث، ج2/283
- 20 . استبصار، حديث 846، به نقل از معجم رجال الحديث، ج2/283
- 21 . البيان في تفسير القرآن 245/246
- 22 . معجم رجال الحديث، ج2/283، به نقل از ابن غضائري.
- 23 . همان، ج2/244 و تلخيص مقباس الهداية/266
- 24 . رجال نجاشي، شرح حال احمد بن محمد ابوعبدالله الآملي/96
- 25 . در مورد ابن غضائري و كتاب او، سخن بسيار است ولذا از آنجا كه در انتساب كتاب به او اشكال وجود دارد، ما هر جا كه كلام او را نقل مي كنيم، به عنوان مؤيد نه دليل است. (ر.ك: مقدمه معجم الرجال)
- 26 . معجم رجال الحديث، ج2/244 و تلخيص مقباس الهداية/266
- 27 . همان.
- 28 . تلخيص مقباس الهداية/266
- 29 . معجم رجال الحديث، ج3/69
- 30 . رجال نجاشي/73 /74
- 31 . خلاصة، علامة، القسم الثاني، الباب 3 من فصل الهمزة، و معجم رجال الحديث، ج3/69
- 32 . معجم رجال الحديث، ج3/69
- 33 . همان.
- 34 . تلخيص مقباس الهداية 266/ و رجال نجاشي/32 و معجم رجال الحديث، ج3/157 158
- 35 . معجم رجال الحديث، ج3/157 158
- 36 تا 38 . همان.
- 39 . تلخيص مقباس الهداية/267
- 40 . رجال نجاشي/60
- 41 . بهجة الآمال في شرح زبدة المقال، ج3/139
- 42 . همان.
- 43 . رجال نجاشي/60
- 44 . بهجة الآمال، ج3/139
- 45 . تلخيص مقباس الهداية/267
- 46 . رجال نجاشي/36
- 47 . تلخيص مقباس الهداية/267
- 48 . رجال نجاشي/36
- 49 و 50 . تلخيص مقباس الهداية /267
- 51 . رجال نجاشي/64
- 52 . بهجة الآمال، ج3/206

53 . همان، از «تعق» نقل می کند. این مطلب، مبتنی بر این اصل است که «مشایخ اجازه، همه ثقه هستند» و یا اینکه «نقل روایت از کسی، دلیل بر توثیق اوست». در حالی که هیچکدام ثابت نشده است؛ بلکه هر دو مبنا باطل است. (ر.ک: مقدّمه معجم رجال الحديث)

54 . رجال نجاشي/64

55 . تلخیص مقباس الهدایة/268

56 و 57 . بهجة الآمال، ج4/304

58 . تلخیص مقباس الهدایة/268

59 و 60 . بهجة الآمال، ج4/304

61 . همان/306 /307

62 . رجال نجاشي/188

63 . تلخیص مقباس الهدایة/268

64 . رجال نجاشي/182

65 . بهجة الآمال، ج4/476 477

66 . تلخیص مقباس الهدایة/268

67 . بهجة الآمال، ج4/476 477

68 و 69 . رجال نجاشي/182

70 . تلخیص مقباس الهدایة/268

71 و 72 . بهجة الآمال، ج4/486

73 . تلخیص مقباس الهدایة/268

74 . بهجة الآمال، ج4/486

75 . تلخیص مقباس الهدایة/268

76 . همان.

77 . بهجة الآمال، ج5/276

78 . تلخیص مقباس الهدایة/268

79 . بهجة الآمال، ج5/275، از فهرست ابن ندیم نقل می کند.

80 . همان/276

81 . همان/275

82 . تلخیص مقباس الهدایة/268

83 . رجال نجاشي/265 /266

84 . تلخیص مقباس الهدایة/268

85 . رجال نجاشي/6 /265

86 . تلخیص مقباس الهدایة/268

87 . رجال نجاشي/265 /266

88 . تلخیص مقباس الهدایة/268

- 89 و 90 . بهجة الآمال، ج6/315 318
- 91 . تلخيص مقباس الهداية/268
- 92 . بهجة الآمال، ج6/315 318
- 93 و 94 . همان.
- 95 . رجال نجاشي /344
- 96 . بهجة الآمال، ج6/315 و 319
- 97 . تلخيص مقباس الهداية/268
- 98 . معجم رجال الحديث، ج16، شرح حال محمد بن علي بن ابراهيم بن موسي.
- 99 . تلخيص مقباس الهداية/268
- 100 و 101 . معجم رجال الحديث، ج16/297
- 102 و 103 . معجم رجال الحديث، ج16/297
- 104 . تلخيص مقباس الهداية/268
- 105 . بهجة الآمال، ج6/466 647 و ...
- 106 . تلخيص مقباس الهداية/268
- 107 تا 109 . بهجة الآمال، ج6/646 647 و...
- 110 . تلخيص مقباس الهداية/269
- 111 . رجال نجاشي/338
- 112 . تلخيص مقباس الهداية/269
- 113 . رجال نجاشي/338
- 114 . رجال نجاشي/363
- 115 . بهجة الآمال، ج6/551
- 116 . همان.
- 117 . همان/552
- 118 . رجال نجاشي/363
- 119 . بهجة الآمال/552
- 120 . تلخيص مقباس الهداية/269
- 121 . معجم رجال الحديث، ج18/275
- 122 . تلخيص مقباس الهداية/269 و معجم رجال الحديث، ج18/275
- 123 . معجم، ج18/275
- 124 و 125 . همان.
- 126 . تلخيص مقباس الهداية/269
- 127 تا 132 . معجم رجال الحديث، ج18/287
- 133 . تلخيص مقباس الهداية/269
- 134 تا 136 . بهجة الآمال، ج7/315

- 137 . تلخيص مقباس الهداية/269
- 138 . تلخيص مقباس الهداية/269
- 139 . رجال نجاشي/448
- 140 . بهجة الآمال ج 354/7
- 141 تا 143 . همان/355
- 144 . همان 5 / 354